

## راه میانه

یکم

آغازین سخن این شماره زمانی تحریر می‌شود که جهان اسلام را موجی از شادمانی فراگرفته است؛ دهمین روز آخرین ماه قمری، ذی‌الحجّة الحرام، یعنی زمانی که حج‌گزاران پس از انجام بخشی از مناسک حج از احرام خارج می‌شوند، عید همه مسلمانان نام گرفته است تا همگان، هرچند بسیاری از آنان در آن آیین‌های عبادی شرکت نجسته‌اند، در این عید الهی و لذت معنوی با حاجیان همراه شوند.

بزرگ‌ترین اعیاد اسلامی، یعنی فطر و قربان، در چند خصیصه چونان یکدیگرند و همین ویژگی‌ها آنها را الهام‌بخش و اثرگذار ساخته است؛ نخست آن‌که به دور از هر نوع صبغه یا شائبه مذهبی یا قومی‌اند و به هیچ نحله خاص یا قومی مشخص تعلق ندارند. این شمول و فراگیری بهترین فرصت را در اختیار مسلمانان از مذاهب و اقوام گوناگون قرار می‌دهد تا دل‌هایشان را به یکدیگر نزدیک کرده، در پرتو توحید ناب و معنویت عمیقی که مضمون اصلی این اعیاد و آیین‌های آنهاست، به همگرایی بیشتری نائل آیند. روی این سخن بیش از همه با ما، داعیه‌داران پیروی از مذهب اهل بیت علیهم‌السلام است که این مناسبت‌ها را آنچنان که باید و شاید، گرامی نمی‌داریم و به ویژه نسبت به عید قربان آن‌گونه که می‌زیدید، اهتمام نمی‌ورزیم. هر کس از نزدیک با دیگر مسلمانان معاشرت داشته باشد، اذعان می‌کند که برای آنان، شادی‌بخش‌ترین و گرامی‌ترین مناسبت‌ها و روزهای سال همین اعیاد هستند؛ بهترین شادباش‌ها را مسلمانان در این روزها به یکدیگر پیشکش می‌کنند. هم‌چنین بسیاری از کشورهای اسلامی تعطیلات طولانی و سالانه‌شان را به همین روزها اختصاص داده‌اند و البته اعیاد و مناسبت‌های خاص

مذاهب، اقوام و ملل نیز جایگاه خود را دارند، اما هرگز در جایگاه ویژه اعیاد و مناسبت‌های فراگیر دینی خدشه‌ای وارد نمی‌سازند.

## دوم

دیگر ویژگی اعیاد اسلامی و همه آیین‌های دینی ادیان شناخته‌شده، معنوی بودن آنهاست. در این آیین‌ها همواره التفاتی به درون وجود دارد و بیش از آن‌که چهره‌ها شادان و جوارخ رقصان باشند، دل‌ها سرشار از شعف و آرامش و رضایت هستند. همین توجه به باطن است که آیین‌های دینی را بی‌نیاز از زرق و برق‌ها و تشریفات زائد ساخته است.

هر دو عید قربان و فطر علاوه بر این، مسبوق به دوره‌ای عبادت توأم با رنج و مشقت هستند: روزه و مناسک حج. در همه آیین‌های دینی، نوعی تقید، انضباط و کلفت و مشقت وجود دارد؛ گویا هیچ معنوبتی بدون مرارت و سختی به دست نمی‌آید، یا دست‌کم، عمق و ماندگاری نمی‌یابد. اگر گوهر ادیان را معنویت می‌دانیم، و عبادت‌ها و آیین‌های فارغ از معنویت را نامطلوب، کم‌ارزش و غیر مؤثر تلقی می‌کنیم، همچنین باید اذعان کنیم که توجهات باطنی نیز تنها در پرتو اعمال آیینی و مناسک شرعی‌ای که کم و بیش، محدودیت‌آفرین و مشقت‌زا هستند، به دست می‌آیند یا باقی می‌مانند. هیچ‌گاه و در هیچ مرحله‌ای از مراحل کمال معنوی نمی‌توان شریعت را قربانی طریقت یا حقیقت ساخت. کسانی که در اندیشه معنویت و اخلاقی جدا از تقید به دینی خاص و به دور از دشواری‌ها و محدودیت‌های متعارف ادیان هستند، به زودی و پس از فروکش کردن هیجانات و تأثیرات موقت و گذرای برخی رهنمودهای معنوی و ذهنی خارج از تعالیم ادیان و شرائع، خود را در خلأ معنوی عمیقی خواهند یافت.

برخی از تعالیم و القائات نادرست و نامقبولی که به نام دین در جامعه پراکنده می‌شود، نباید کسانی را در این توهم و مغالطه بیندازد که گویا می‌توان به اخلاقی پایدار و معنوبتی عمیق و ماندگار بدون دیانت، فقه و شریعت دست یافت. ادیان - به ویژه اسلام که از معنوی‌ترین ادیان زنده است - همچنان از ظرفیت‌های معنوی و راه‌گشایی‌های اخلاقی ژرف و شگرفی برخوردارند و اگر غبارها از تعالیم آنها زدوده شود و جویندگان معنا و فضیلت بی‌توجه به برخی تبلیغ‌ها و تطبیق‌های ناروا، خود به آن تعالیم ناب، تقرّب

معرفتی و عملی بجویند، خواهند دید که چه دارایی‌های گرانبهایی دارند و دیگر، روا نیست که آنچه را خود دارند از بیگانگان بخواهند و تمنّا کنند.

### سوم

هجدهمین روز ذی‌الحجه یادآور یکی دیگر از اعیاد دینی ماست که برای شیعیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: عید غدیر؛ این اهمیت روزافزون ناشی از نقشی است که این روز و مضمون والای آن، یعنی اعلام ولایت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام، در هویت بخشی و معنادهی به تشیع دارد و بالاتر این که به تعبیر شیخ عبدالله علائی، عالم و ادیب شهیر جهان اسلام، عید غدیر بخشی جدایی ناپذیر از اسلام است که منکر آن در واقع، اسلام را انکار کرده است. این روز را باید گرامی داشت و البته می‌توان آن را به گونه‌ای شناخت و شناساند که نه تنها میان مسلمانان مرزی نفوذناپذیر و عبورناشدنی نیفکند و آنان را به دو جبهه متقابل و متخاصم تبدیل نکند؛ که به تفاهم میان آنان و نیز به تقرّب ایشان به اهداف والای اسلامی مدد رساند. محبت و مودّت امام علی علیه السلام و دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت علمی ایشان و اولویت آنان در زعامت جامعه اسلامی و تصدّی خلافت و حکومت از مؤلفه‌هایی‌اند که کمابیش مورد قبول عموم مسلمانان هستند و دست‌کم، در صورت تبیین درست از زمینه‌های کافی برای مقبولیت عام برخوردارند.

پرواضح است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام این حق را دارند که علاوه بر سه مؤلفه پیش‌گفته، به آموزه‌های دیگری چون نصب، عصمت و ولایت تکوینی و باطنی معتقد باشند و حتی در مقام دفاع استدلالی از آنها برآیند، اما این حق آشکار و سلب‌ناشدنی نباید ما را از این نکته مهم غافل سازد که تأکید بر مؤلفه‌هایی چون مودّت و مرجعیت علمی از سه امتیاز معناداری و کارآمدی در روزگار ما، قابل دسترسی و دستیابی بودن و همخوانی با یکپارچگی امت اسلامی که آموزه‌های اسلامی و از ضرورت‌های این زمان و همه دیگر زمان‌هاست، برخوردار است، پس منطقی و موجه نیست که تأکید بیشتر ما بر آموزه‌هایی باشد که مقبولیت کمتری دارند؛ نقش و کارکرد مؤثر، تعیین‌کننده و بی‌بدیلی در عصر غیبت ندارند و مایه تحریک احساسات و برانگیختن حساسیت‌های دیگر مسلمانان و دستاویزی برای بدخواهان هستند.

با این همه، هرگز نباید نسبت به آنچه در درستی و روایی آن تردیدی نداریم و در شمار ضرورت‌های اعتقادی یا فقهی مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام است، اهمال و فروگذاری کنیم بلکه برعکس، باید در مجامع علمی - چه درون مذهبی و چه بینا مذهبی - آنها را به بحث بگذاریم و مبانی علمی آنها را بکاویم و بکوشیم باورهای خود را به آستان قبول دیگران نزدیک سازیم و به دور از عوام‌اندیشی و با پرهیز از میان‌داری و سگان‌داری تربیون‌داران محروم از دانش کافی یا مصلحت‌اندیشی لازم، به تعمیق و تبلیغ دیدگاه‌های مذهبی خود همت بگذاریم.

### چهارم

ایران اسلامی درست در همین روزها پس از برگزاری جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیست و پنجمین بهار انقلاب را آغاز می‌کند. سالگشت انقلاب و آیین‌های ویژه آن فرصت مغتنمی را پیش‌روی همه کسانی قرار می‌دهد که دل‌مشغول دین و معنویت، میهن، و علم و فرهنگ هستند؛ چه، این جنبش عظیم آن‌گاه که پا گرفت و آن‌گاه که به بار نشست و اینک که تثبیت و نهادینه شده است، همواره در این اندیشه بوده است که دین و مفاهیم والای آن را از انزوا، بدفهمی و تک‌ساحتی بودن رهایی بخشد؛ ایران را از دخالت بیگانگان و خودکامگی حاکمان نجات دهد و مردم را بر سرنوشت خود مسلط سازد و عزت و کرامت پایمال‌شده آنان را به ایشان برگرداند؛ به علم و فرهنگ رونقی دوباره ببخشد و با تصحیح فرهنگ عمومی مردم، زمینه توسعه همه جانبه کشور را فراهم کند و جامعه عملی جامانده از کاروان شتابان علم و فن‌آوری را به خیزش علمی و مشارکت فعال در فرآیند تولید علم و اندیشه وادارد.

این‌که انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن تا چه اندازه توانسته است به این آرمان‌ها دست یابد، فرصت مناسب و داده‌های علمی قابل استنادی می‌خواهد که هیچ کدام هم‌اینک در اختیار صاحب این قلم نیست و شاید در نشریه‌ای تخصصی چون هفت‌آسمان جای پرداختن به آنها نباشد. آنچه در این فرصت محدود و با این بضاعت اندک می‌توان گفت، این است که همچنان آرمان‌های انقلاب آرمان‌های کنونی و همیشگی ما است و خواهد بود و بی‌تفاوتی نسبت به آنها در شأن ملت‌ی بزرگ و باسابقه درخشان و با این همه فداکاری و وفاداری نیست و اصحاب علم و فرهنگ نیز هرگز نباید در خواسته‌های

شخصی یا صنفی و حتی در حوزه‌های تخصصی و کاری خود به گونه‌ای غرق شوند که دیگر برایشان انگیزه و مجالی برای اهتمام به سرنوشت دین، سرزمین و فرهنگ ایران زمین باقی نماند.

و دیگر آن‌که همچنان که نمی‌توان به بزرگ‌نمایی‌ها و خام‌اندیشی‌های برخی خوش‌باور و ساده‌اندیش دل داد که گویا انقلاب به همه آرمان‌هایش دست‌یافته یا همواره در مسیر آن آرمان‌ها و در حال تقرب به آنها بوده و هیچ تخطی و تخلفی صورت نگرفته است، همچنین نمی‌توان پذیرای وسوسه‌های بداندیشانی شد که انقلاب را پایان‌یافته و همه چیز را بر بادرفته تلقی می‌کنند و انگار، باقی ماندن بر وضع گذشته و ادامه‌دادن به روال حاکم در قبل از انقلاب یا تن‌دادن به نسخه‌های بیگانگان گزینه برتر و نیک‌فرجام‌تری است. در میان آن خوش‌خیالی و این تاریک‌اندیشی باید راهی میانه را جست که همان برگشت به ارزش‌های اصلی انقلاب است که برخاسته از ضمیر روشن امام خمینی (ره) و جوشیده از ذهن و دل توده مردم و منطبق با آموزه‌های دینی و منافع ملی است و البته در این راه باید از تفسیرهای محدودنگر و استفاده‌های ابزاری پرهیز کرد و از روش‌ها و شیوه‌هایی که هیچ‌گاه نتیجه‌بخش نبوده‌اند، دوری جست و این راهی است که همگان جوینده و پوینده‌آند و جز آن را نمی‌خواهند و بر نمی‌تابند.

سردبیر